

ORIGINAL ARTICLE

States' Human Rights Obligations in Dealing with Stereotypes and Gender Stereotyping Related to Disabled Women

Farangis Mansoori¹, Anahita Seifi²

1. Assistant Professor of International Law, Department of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor of International Law, Department of Women's Studies, Allameh Tabataba'ei University, Tehran, Iran.

Correspondence:

Farangis Mansoori

Email: F.mansoori@pnu.ac.ir

Received: 29/May/2024

Revised: 28/Dec/2024

Accepted: 04/Jan/2025

Published: 22/Sep/2025

How to cite:

Mansoori, F.; Seifi, A. (2024). States' Human Rights Obligations in Dealing with Stereotypes and Gender Stereotyping Related to Disabled Women, *Civil Law Knowledge*, 14 (1), 81-102.
(DOI: [10.30473/clk.2025.72882.3306](https://doi.org/10.30473/clk.2025.72882.3306))

ABSTRACT

In most cases, disabled women are subject to double discrimination due to being women and having disabilities, and are more vulnerable to all kinds of violence and injustice than others. In this regard, harmful and incorrect gender stereotypes and stereotyping are one of the effective factors in the pervasive violation of women's human rights, especially women with disabilities. Few research activities related to the harmful effects of gender stereotypes and how gender stereotypes harm women with disabilities and the obligations of governments in combating it have been raised. The purpose of this article is to identify and tracing the international human rights obligations of governments in order to combat gender stereotypes related to disabled women. For this reason, the article examines these obligations in a descriptive and analytical way by studying and analyzing the human rights documents of the United Nations. These documents especially include two international human rights treaties related to the subject of the article (the Convention on the Rights of Persons with Disabilities and the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women) and the reports of the relevant committees. Based on this, the main question of the article is, what obligations do governments have in dealing with harmful gender stereotypes related to disabled women? In general, according to both conventions, governments are responsible for educating, raising awareness, amending and changing discriminatory and stereotyping laws, removing stereotypes, prejudices and harmful actions against disabled women. In addition, many human rights treaty bodies believe that the Principle of equality; Non-discrimination and in light of them, other rights and freedoms contain the implicit commitment of governments; It is to deal with harmful stereotypes and stereotyping. Therefore, in the framework of international human rights, stereotypes and stereotyping that have a negative and harmful effect on the recognized human rights of disabled women are prohibited.

KEYWORDS

Human Rights, Disabled Women, Gender Stereotypes, Convention on Elimination of all Forms of Discrimination Against Women, Convention on Protection of Disabled People.



«مقاله پژوهشی»

تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در مبارزه با کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی مرتبط با زنان توانخواه

فرنگیس منصوری^۱، آناهیتا سیفی^۲

۱. استادیار حقوق بین‌الملل، گروه حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۲. دانشیار حقوق بین‌الملل، گروه مطالعات زنان، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

فرنگیس منصوری

رایانامه: F.mansoori@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

استناد به این مقاله:

منصوری، فرنگیس؛ سیفی، آناهیتا (۱۴۰۴). تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در مبارزه با کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی مرتبط با زنان توانخواه، دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۴ (۱)، ۸۱-۱۰۲.

DOI: 10.30473/clk.2025.72882.3306

چکیده

در اکثر موارد زنان توانخواه، به واسطه زن بودن و داشتن معلولیت، موضوع تبعیض مضاعف بوده و در مقابل انواع خشونت و بی‌عدالتی، نسبت به دیگران آسیب‌پذیر هستند. در این میان کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی مضر و نادرست یکی از عوامل مؤثر نقض فراگیر حقوق بشر زنان؛ به‌ویژه زنان توانخواه است. فعالیت‌های پژوهشی اندکی در رابطه با تأثیرات مضر کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی بر حقوق زنان توانخواه و تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در مبارزه با آن مطرح شده است. هدف این مقاله شناسایی و ترسیم تعهدات بین‌المللی حقوق بشری دولت‌ها در راستای مبارزه با کلیشه‌های جنسیتی مرتبط با زنان توانخواه است. به همین دلیل مقاله حاضر به روش توصیفی تحلیلی با مطالعه و تجزیه و تحلیل اسناد حقوق بشر سازمان ملل متحد به بررسی این تعهدات می‌پردازد. این اسناد به‌ویژه شامل دو معاهده بین‌المللی حقوق بشر مرتبط با موضوع مقاله (کنوانسیون حقوق افراد توانخواه و کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان) و گزارش کمیته‌های مربوطه است. بر این اساس سؤال اصلی مقاله این است که دولت‌ها چه تعهداتی در برخورد با کلیشه‌های جنسیتی مضر مرتبط با زنان توانخواه بر عهده دارند؟ به طور کلی دولت‌ها طبق هر دو کنوانسیون، مسئولیت آموزش، آگاهی‌بخشی، اصلاح و تغییر قوانین تبعیض‌آمیز و کلیشه‌ساز، حذف کلیشه‌ها، تعصبات و اقدامات مضر علیه زنان توانخواه را بر عهده دارند. علاوه بر این، بسیاری از نهادهای معاهده حقوق بشر بر این باورند که اصل برابری؛ عدم تبعیض و در پرتو آنها، سایر حقوق و آزادی‌ها حاوی تعهد ضمنی دولت‌ها جهت رسیدگی به کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های مضر است. بنابراین، در چارچوب حقوق بشر بین‌المللی کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌هایی که بر حقوق بشر به رسمیت شناخته شده برای زنان توانخواه، تأثیر منفی و مضر می‌گذارد، منع می‌شود.

واژه‌های کلیدی

حقوق بشر، زنان توانخواه، کلیشه‌های جنسیتی، کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حمایت از افراد توانخواه.

مقدمه

معلولیت و توانخواهی سابقه‌ای به قدمت تاریخ بشری دارد. بر اساس آمار سازمان ملل، ۱۰ تا ۱۵ درصد جمعیت دنیا را افرادی تشکیل می‌دهند که به نوعی دچار معلولیت هستند که آنان را به پرتعدادترین قشر آسیب‌پذیر دنیا تبدیل کرده است. تقریباً نیمی از این تعداد را زنان تشکیل می‌دهند و این مسئله باعث شده است که معلولیت و ناتوانی به موضوع مهمی در جوامع تبدیل گردد. زنان توانخواه، به واسطه دو خصیصه زن بودن و داشتن معلولیت، موضوع تبعیض مضاعف بوده؛ زمانی که افراد توانخواه با افراد غیر معلول مقایسه می‌شوند، از حقوقی برابر با آنان برخوردار نیستند. از طرف دیگر، زنان توانخواه تحت تأثیر کلیشه‌های رایج درباره زنان نیز هستند. کلیشه‌های جنسیتی در زندگی زنان توانخواه بسیار تأثیرگذار بوده و آنان معلولیت را با ماهیتی متفاوت از مردان تجربه می‌کنند. به عبارت دیگر، در مورد زنان توانخواه، کلیشه‌های رایج مربوط به معلولیت همراه با کلیشه‌های جنسیتی منجر به انزوای اجتماعی و فرهنگی و تبعیض مضاعف آنان می‌گردد.

به طور کلی، افراد توانخواه برای دستیابی به حقوق گوناگون خود و برخورداری از شرایط برابر زندگی با سایر افراد جامعه، همواره با کلیشه‌ها و موانع زیادی مواجه بوده‌اند. وظیفه دولت‌ها در این خصوص مبارزه با کلیشه‌های مضر و رفع موانع در راستای حمایت از زنان توانخواه است. ضرورت و اهمیت شناخت کلیشه‌های جنسیتی^۱ و بررسی آنها در جامعه، به دلیل اثرات زیان‌آور کلیشه‌ها مهم است. از مهم‌ترین اثرات زیان‌آور کلیشه‌های جنسیتی می‌توان به این مسئله اشاره کرد که کلیشه‌های جنسیتی به عامل تبعیض میان جنس‌ها بدل می‌شوند. به علاوه این کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی^۲ مضر و نادرست یکی از عوامل مؤثر نقض فراگیر حقوق بشر زنان؛ به ویژه زنان توانخواه است.

در نظام حقوق بین‌الملل، مبنای مطالعه در حوزه زنان توانخواه را دو سند بین‌المللی مهم تشکیل می‌دهد: کنوانسیون ۲۰۰۶ سازمان ملل در خصوص حقوق افراد توانخواه^۳ و دیگری کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹). علاوه بر این، اسناد دیگری هم وجود دارد که برخی حوزه‌ها را پوشش می‌دهند. از جمله این اسناد می‌توان به «اعلامیه رفع اشکال خشونت علیه زنان»، مصوب ۱۹۹۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره کرد. از اسناد مهم دیگر «اعلامیه پکن»، مصوب سپتامبر ۱۹۹۵ در چهارمین کنفرانس جهانی زنان است. در «کنوانسیون حقوق کودک» و همچنین میثاقین حقوق بشر نیز می‌توان اشارات خاصی به مسائل دختران دارای معلولیت را ملاحظه کرد. ماده ۶ کنوانسیون حقوق افراد توانخواه، به طور خاص به حمایت از زنان و دختران دارای معلولیت اختصاص یافته است. مقررات خاص جنسیت در این کنوانسیون در واقع بر پایه این فرض کلی بنا شده است که جنسیت و معلولیت همواره، به شیوه‌ای ترکیبی عمل می‌کنند و موجب ایجاد تبعیض چند برابر علیه زنان معلول می‌شوند. کمیت حقوق افراد توانخواه به عنوان رکن اجرایی کنوانسیون مزبور، توجهی روزافزون به مسئله حمایت از زنان و دختران دارای معلولیت کرده و از حیث نظری و هم عملی دستاوردهای ارزشمندی در این حوزه داشته است.

اگرچه سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل طیف وسیعی از آسیب‌های ناشی از کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی را شناسایی کرده‌اند، اما به ندرت این آسیب را به‌ویژه در ارتباط با زنان معلول بررسی کرده‌اند. به خصوص درباره تعهدات دولت‌ها در این خصوص چه در عرصه بین‌المللی و چه در داخل هیچ پژوهش مستقلی تا زمان نگارش این مقاله انجام نگرفته است. به همین جهت این مقاله با درک این ضرورت، به تشریح برخی از مفاهیم کلیدی مرتبط با کلیشه‌های جنسیتی و چگونگی درک و کاربرد آن مفاهیم توسط سازوکارهای مختلف حقوق بشر

3. gender stereotyping

4. Convention on the Rights of Persons with Disabilities(CRPD), 12 December 2006.

۱. به نقل از روابط عمومی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی در:

<https://www.khabaronline.ir/news/1402/11/08>

2. Gender stereotypes

- زراعت پیشه، رویا و همکاران، (۱۳۹۹)، «کلیشه‌های جنسیتی مؤثر بر وقوع تجاوز جنسی در مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری،
- سفیری، خدیجه و فاطمه منصوریان راوندی، (۱۳۹۴)، «کلیشه‌های جنسیتی و سلامت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان.
در تحقیقات فوق‌الذکر به طور کلی به تعریف کلیشه‌ها و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری کلیشه‌ها می‌پردازند. بنابراین، به جز در قسمت تعاریف، این تحقیقات ارتباطی با موضوع مقاله حاضر ندارند.

-Rebecca J. Cook and Simone Cusack, Gender Stereotyping: Transnational Legal Perspectives (Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 2010).

- Simone Cusack, "The CEDAW as a Legal Framework for Transnational Discourses on Gender Stereotyping", in Anne Hellum and Henriette Sinding Aasen (eds.), Women's Human Rights: CEDAW in International, Regional and National Law (Cambridge University Press, 2013), 124.

هر دو کتاب به بررسی دیدگاه‌ها و گفتمان‌های فراملی شکل‌گرفته در خصوص کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی جنسیتی می‌پردازند و اینکه، این کلیشه می‌تواند منجر به نقض حقوق زنان شود. ضمن اینکه از هر دو کتاب به عنوان منبع استفاده شده، اما هیچ کدام به بررسی تعهدات دولت‌ها در مبارزه با کلیشه‌های جنسیتی مضر با حقوق زنان توانخواه پرداخته است.

- Gender Stereotyping As a Human Rights Violation, OHCHR Commissioned Report, 2013.

این گزارش کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل است و بررسی می‌کند که چگونه کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی منجر به نقض حقوق بشر می‌شود. از این سند به عنوان منبع مقاله استفاده شده، اما با موضوع مقاله حاضر؛ یعنی بررسی کلیشه و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی در

سازمان ملل می‌پردازد. در این خصوص پرسشی مطرح می‌شود؛ تعهدات دولت‌ها در چارچوب قواعد بین‌المللی حقوق بشر جهت مبارزه با «کلیشه‌سازی‌های جنسیتی» به‌ویژه در ارتباط با زنان توانخواه چیست؟ در راستای پاسخ به این پرسش، ضمن ارائه تعاریفی از اصطلاحات «کلیشه و کلیشه‌سازی جنسیتی» و بیان آسیب‌های ناشی از کلیشه‌های جنسیتی، به بررسی تعهدات مندرج در معاهدات بین‌المللی حقوق بشر برای رسیدگی به کلیشه‌ها و کلیشه‌های جنسیتی پرداخته و توضیح می‌دهد که دولت‌ها چگونه باید این تعهدات را تفسیر و اعمال کنند. به نظر می‌رسد تغییر و اصلاح الگوهای رفتاری اجتماعی و فرهنگی جامعه در قبال افراد توانخواه، آموزش و افزایش سطح آگاهی خانواده‌ها در جهت تقویت نگرش احترام به حقوق افراد توانخواه و حذف قوانین تبعیض‌آمیز و کلیشه‌ساز مهم‌ترین تعهدات دولت‌ها در حمایت از زنان توانخواه می‌باشد. بنابراین، پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی تحلیلی با تأکید بر دو کنوانسیون حقوق افراد توانخواه و کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، تعهدات دولت‌ها در رابطه با رفع چالش‌های پیش روی زنان معلول از جمله کلیشه‌سازی‌های جنسیتی که فشار مضاعف بر زندگی این افراد ایجاد می‌کند را بررسی می‌نماید.

پیشینه تحقیق

همان‌طور که در بالا گفته شد کمتر به بررسی تأثیرات مضر کلیشه‌های جنسیتی و اینکه کلیشه‌سازی‌های جنسیتی چگونه به زنان معلول آسیب می‌رساند و تعهدات دولت‌ها در مبارزه با آن پرداخته شده است. بنابراین، این موضوع نیاز به بررسی بیشتر دارد. تحقیقاتی که با بخشی از موضوع مقاله مرتبط است:

- افهمی، رضا و همکاران، (۱۴۰۱)، «کلیشه‌های جنسیتی و اطلاق جنسیت به یک اثر هنری؛ مطالعه موردی: نقاشی رئال و انتزاعی»، نشریه هنرهای زیبا.
- مقدم، مریم، (۱۳۹۷)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری کلیشه‌های جنسیتی»، دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی،

که بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توأم، اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارآمدی عمومی وی ایجاد شود؛ به طوری که سبب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود. در توصیه‌نامه شماره ۹۹ سازمان بین‌المللی کار، اصطلاح معلولیت به معنای فردی آمده که امیدش برای به دست آوردن و حفظ شغل مناسب، به طور قابل ملاحظه‌ای به دلیل آسیب‌های جسمی یا روانی، کاهش یافته است (بهری خیایوی و عابدینی، ۱۳۹۷: ۶)

کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد معلول^۳، در ماده ۱ بدون ارائه تعریفی از معلولیت یا کم توانی، افراد توانخواه را شامل کسانی می‌داند که دارای معلولیت طولانی مدت جسمی، روحی و حسی هستند که در تعامل با موانع مختلف ممکن است مانع مشارکت کامل و مؤثر آنها در جامعه به طور مساوی با دیگران شود. از نظر سازمان بهداشت جهانی^۴ نیز در مفهومی گسترده، معلولیت شامل اختلالات و محدودیت‌های فعالیت و مشارکت است که ناشی از نقص و اختلال در عملکرد یا ساختار بدن است و مانع از انجام کار و ایفای نقش فرد در موقعیت‌های زندگی می‌شود (صفاری‌نیا و منفرد مسقانی، ۱۳۹۸: ۱۵۳). به طور کلی، معلولیت بر اساس امکانات بازتوانی، ترمیمی به معلولیت‌های حرکتی، معلولیت‌های حواسی، معلولیت‌های احشایی و معلولیت‌های روانی تقسیم می‌شود (نباتی و بیگزاده، ۱۳۸۹: ۴۳-۴۴).

معلولیت یک مفهوم ثابت و قطعی نیست، اینکه چه کسی معلول است، محتاج معیار است، ولی هیچ معیار قابل عرضه جهانی که صرفاً بیولوژیکی و ژنتیکی باشد، وجود ندارد و معیار از یک اجتماع تا اجتماع دیگر فرق می‌کند و به عوامل متعددی مثل انتظارات اجتماعی، پیشرفت تکنولوژی و ... بستگی دارد. مفهوم معلولیت نسبت به محیطی که شخص در آن زندگی می‌کند به شدت حساس است. اینکه فرهنگ محلی چه توانایی‌هایی را در اختیار

خصوص زنان توانخواه و تعهدات دولت‌ها در چارچوب دو کنوانسیون مهم مرتبط با حوزه زنان؛ یعنی کنوانسیون حقوق افراد توانخواه و کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، تداخلی ندارد.

توانخواه و توانخواهی

در معنای اصطلاحی، در تعریف جامع‌تر که همسو با تعریف بیان‌شده در ماده یک اعلامیه حقوق افراد توانخواه، مصوب سال ۱۹۷۵ مجمع عمومی سازمان ملل است، توانخواهی به نقص مادرزادی یا عارضی در جسم و روان گفته می‌شود که به ناتوانی در انجام کار یا قسمتی از امور زندگی منجر شده و تأثیر بسزایی در کارکردهای فرد و امور زندگی وی دارد و لذا فرد توانخواه، باتوجه به شرایط سنی و طبیعی خود در سطح پایین‌تری قرار داشته و با محدودیت‌هایی مواجه بوده و به همین علت از فعالیت‌های متعارف و ایفای نقش عادی در زندگی و جامعه محروم است. از منظر پزشکی، افراد توانخواه به شش گروه شامل افراد دارای «اختلالات جسمی - حرکتی، اختلال شنوایی، اختلال بینایی، اختلالات ذهنی (مبتلا به نارسائی و یا تأخیر در رشد توان ذهنی و مغزی)، اختلالات روانی (الگوی روانی، رفتاری یا ناهنجاری که منجر به رنج فرد یا اختلال در عملکرد زندگی عادی وی شود)، معلولیت اجتماعی (اغلب شامل قشر طردشده جامعه: ولگردان، معتادان، بزهکاران، متکدیان، روسپیان و... که به جهت نداشتن منزلت اجتماعی، در انزوا به سر می‌برند) اعم از اختلال دائم یا موقت» تقسیم می‌گردند (رضوانی مفرد و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۰، ۶۱).

البته توانخواهی یک مفهوم مورد مناقشه‌ای است که در جوامع مختلف دارای معانی مختلف است و تعریف معلولیت و ناتوانی در حال تغییر و تکامل است. اسناد مختلف تعاریف متفاوتی از معلولیت ارائه کرده‌اند. به موجب ماده یک قانون جامع حمایت از افراد توانخواه مصوب ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی، کم‌توانی، ناتوان یا معلول به فردی گفته می‌شود

3. Convention on the Rights of Persons with Disabilities, CRPD, A/RES/61/106, 13 Dec 2006.
4. The World Health Organization

1. Disability
2. Disabled

کلیشه‌های جنسیتی

«کلیشه» یک دیدگاه یا پیش‌فرض عمومی درباره مشخصات یا ویژگی‌هایی است که اعضای یک گروه اجتماعی خاص دارند یا باید داشته باشند، یا نقش‌هایی که بر عهده می‌گیرند (Cook and Cusack, 2009: 20). اصطلاح «کلیشه‌های جنسی» به دیدگاه یا پیش‌فرض عمومی درباره ویژگی‌ها یا خصوصیات فیزیکی، از جمله بیولوژیکی، عاطفی و شناختی که زنان و مردان دارند یا باید داشته باشند، اشاره دارد (Ibid: 25). به عبارت دیگر، کلیشه‌های جنسیتی مجموعه‌ای سازمان‌یافته از باورها پیرامون دو جنس زن و مرد هستند که اطلاعات جسمانی، دیدگاه‌ها، علایق، صفات روانی، روابط اجتماعی و گاه حتی مشاغل زنان و مردان یا رشته‌های تحصیلی را در بر می‌گیرد (زارعیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۶).

از آنجا که معاهدات حقوق بشری هیچ کدام اصطلاحات «کلیشه جنسیتی» و «کلیشه‌سازی جنسیتی» را تعریف نکرده‌اند، یک چالش مهم در پرداختن به کلیشه‌های جنسیتی و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی، پیچیدگی این مفاهیم است. کلیشه جنسیتی در بطن خود یک باور است و این باور ممکن است باعث شود دارنده آن در مورد اعضای یک گروه، زنان و یا مردان، مفروضاتی ایجاد کند. در مقابل، اصطلاح «کلیشه‌سازی جنسیتی» به تمرین اعمال یک باور کلیشه‌ای مربوط به موضوعی خاص برای عضو یک گروه اشاره دارد. به این معنا که عمل نسبت دادن خصوصیات، ویژگی‌ها یا نقش‌های خاص به یک زن یا مرد، تنها به دلیل عضویت او در گروه اجتماعی زنان یا مردان است (Gender Stereotyping as a human rights violation, 2013: 60).

تأثیر منفی کلیشه‌ها بر زنان بیشتر است؛ زیرا آنها در این کلیشه‌ها به صورت جنس ضعیف و فرو دست مطرح می‌شوند. این کلیشه‌ها، در نهایت به پیش‌داوری و تبعیض جنسیتی منجر می‌شوند (مقدم، ۱۳۹۷: ۹۲). بر اساس کلیشه‌های جنسیتی، زنان و مردان در جامعه دارای ویژگی‌های خاص، رفتار خاص و حالات روانی خاص هستند

معلول می‌نهد و نیز جنسیت و سن و نژاد و طبقه در تعیین توانایی و ناتوانی‌ها اهمیت دارد. بنابراین، ناتوانی در انجام فعالیت‌های اساسی نیز در هر جایی خاص خودش است. اینکه چگونه یک جامعه معلولیت را تعریف می‌کند و چه کسی را به عنوان معلول به رسمیت می‌شناسد، مسائل مهمی را در مورد نگرش‌ها و انتظارات آن جامعه در رابطه با بدن، در مورد آنچه یک جامعه بر آن داغ ننگ می‌زند و آنچه در ظاهر و در عملکرد طبیعی در نظر می‌گیرد، اینکه چه فعالیت‌هایی را الزام یا ارزشمند می‌داند و اینکه فرضیه‌های آن جامعه در مورد جنسیت، سن، نژاد و طبقه چیست آشکار می‌سازد (فهیمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱۹، ۲۲۰).

در نتیجه ما با یک تعریف از معلولیت سروکار نداریم. ما با «تعاریف» معلولیت سروکار داریم که از هر فرهنگی تا فرهنگ دیگر فرق می‌کند و سازمان بهداشت جهانی اصولاً نمی‌تواند یک تعریف را جهانی کند. دوم در تعاریف از معلولیت باید به تنوع بسیار زیاد در خود معلولان توجه شود و حتی معلولیت‌های مشترک بدون اشتراک در جنسیت، طبقه، نژاد و سن نباید در یک گروه تعریفی گنجانده شود. سوم اینکه در تعاریف درست از معلولیت باید محدودهایی را برای کسانی که دچار تضاد در هویت معلولیت یا بحران هویت معلولیت شده‌اند تعیین کرد تا در دسته سالم یا معلول جا نگیرند و بتوانند فرصت و انرژی کافی برای حل چالش خود داشته باشند. کسانی را هم که مایلند هویت معلولیت خود را مخفی کنند، باید در این کار آزاد گذاشت. چهارم اینکه تمایز دقیق میان بیمار و معلول به صلاح هیچ یک از بیمار و معلول نیست، بلکه بیشتر به نفع سازمان‌های حمایت از بیماران و سازمان‌های حمایت از معلولان است که از تعداد مراجعان و هزینه‌های خود بکاهند. این دو به روشنی در جایی با هم یکی می‌شوند و برای استیفای حقوق کامل خود باید در هر دو گروه تعریف شوند و جا بگیرند (همان: ۲۲۹).

قانونی در میان باشد، اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند» (Simone Cusack, 2013: 126-127). بنابراین، مهم است که مکانیسم‌های حقوق بشر سازمان ملل به بیان تعریف اصطلاحات «کلیشه‌های جنسیتی» و «کلیشه‌سازی جنسیتی» بپردازند.

اشکال مختلف کلیشه‌های جنسیتی

کلیشه‌های جنسیتی به اشکال مختلف و بعضاً مرتبط با هم از جمله «کلیشه‌های جنسی»، «کلیشه‌های نقش جنسی» و «کلیشه‌های ترکیبی» ظاهر می‌شوند. بند الف ماده ۵ هم به کلیشه‌های جنسیتی که مبتنی بر دیدگاه «زنان پست‌تر از مردان هستند»، می‌باشد و هم به کلیشه‌های مبتنی بر نقش جنس می‌پردازد. برخی از این کلیشه‌ها به ویژگی‌های عاطفی زنان، رفتارهای جنسی و برخی هم با نقش آنها در خانواده و جامعه مربوط می‌شود. درک اشکال مختلف این کلیشه‌ها مهم است؛ زیرا می‌تواند به شناسایی و درک پارامترهای یک کلیشه خاص و در نتیجه اقدامات مفیدی که یک دولت عضو انجام دهد، کمک کرده و بر نوع یا دامنه اقداماتی که دولت عضو باید انجام دهد تا به تعهدات خود در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر عمل کند، تأثیر می‌گذارد. کلیشه‌های جنسی بر ویژگی‌ها و خصوصیات زنان و مردان؛ به ویژه ویژگی‌ها و مشخصات جسمی، عاطفی و شناختی آنها تمرکز دارد. آنها به نقش‌هایی که زنان و مردان ایفا می‌کنند، توجهی ندارند (Stereotyping Gender) (as a human rights violation, 2013: 10).

گزارشگر ویژه حق غذا در گزارش خود به شورای حقوق بشر عنوان می‌کند که کلیشه‌های جنسی زنان را از نظر جسمی ضعیف و مردان را از نظر جسمی قوی می‌داند.^۴ اصطلاح «کلیشه‌های جنسی» به دیدگاه عمومی یا پیش فرض درباره ویژگی‌ها یا رفتارهای جنسی (تمایلات جنسی) اشاره دارد که تصور می‌شود یا انتظار می‌رود زنان و مردان از آن برخوردار باشند. مانند کلیشه‌های جنسی، اغلب بر اساس تفاوت‌های ساختگی و نه واقعی بین زنان و مردان و

و در نهایت قابلیت انجام وظایف و کارهایی را دارند که به طور معمول با یکدیگر متفاوت هستند. کلیشه‌سازی از طرفی خصوصیات و توانایی‌هایی را به زنان اختصاص می‌دهد که در مردان از آنها نشانه‌ای نیست و از طرف دیگر، توانایی‌ها و خصوصیات را به مردان نسبت می‌دهد که زنان از آن بی‌بهره هستند (اعزازی، ۱۳۵۱: ۱۵).

شکل‌گیری کلیشه‌های جنسیتی ماحصل برداشت از تفاوت زیستی بین جنس‌ها است که منجر به واگذاری نقش‌ها به جنسی خاص می‌شود (افهمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۳). تفاوت‌های فردی عبارت از صفات و دیگر ویژگی‌هایی است که ممکن است افراد را از یکدیگر متمایز کند (Bos Vanden: 2009: 163). بر این اساس، جنسیت به عنوان یک عامل در ایجاد تفاوت‌های فردی در مقایسه با نژاد، سن و شغل مبنای قوی‌ترین طبقه‌بندی افراد در یک جامعه را فراهم می‌کند (Macrae and Quinn, 1991; Fiske, 1992; Stangor, 2005).

بنابراین، تفاوت‌های جنسیتی از تعامل بین فیزیک جنس‌ها و جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع حاصل می‌شود. این تفاوت‌ها منجر به ظهور ویژگی‌های منحصر به هر جنس، به لحاظ روان‌شناختی و فیزیکی می‌شود. در تقسیم‌بندی کلیشه‌ای، مردان همیشه به عنوان بهترین رهبران و مدیران، معقول، ماهر در کسب و کار، دارای هوش و استعداد بالا در ریاضیات و از توانایی حل مسائل برخوردارند. در طرف مقابل، زنان صفات برتری را به لحاظ احساسی و ارتباطی با دیگران دارند. چنین تلقی تعیین‌کننده مرزهای اجتماعی و مکانی هستند. این امر که به نابرابری میان دو جنس منجر می‌شود و اینکه اساساً چه کسی ممکن است متعلق به آن مکان و فضا نباشد (افهمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۴).

به هر حال لازم است که هم کشورهای عضو و هم مکانیسم‌های حقوق بشر سازمان ملل این مفاهیم کلیدی را تعریف کنند؛ زیرا «ناتوانی در تعیین دقیق تعریف یا تعاریف این اصطلاحات و اطمینان از معنا در مواردی که تعهدات

4. Olivier De Schutter, *Report of the Special Rapporteur on the right to food*, UN Doc. A/HRC/22/50 (24 December 2012), para. 27(b).

1. Sex Stereotypes
2. Sex-role Stereotypes
3. Compounded Stereotypes

پیش‌فرض کلی درباره گروه‌ها اشاره دارد که از انتساب خصوصیات، ویژگی‌ها یا نقش‌ها بر اساس یک یا چند ویژگی دیگر، برای مثال جنس، جنسیت و ناتوانی ناشی می‌شود (Cook and Cusack, 2009: 29). در واقع، یک کلیشه جنسیتی مرکب از ترکیب دو یا چند کلیشه مختلف شکل می‌گیرد. برای مثال وقتی یک کلیشه جنسی یا کلیشه نقش جنسی با یک نوع کلیشه دیگر (مثلاً کلیشه ناتوانی یا کلیشه سنی) تلاقی می‌کند تا کلیشه‌های متفاوتی درخصوص مردان یا زنان ایجاد کند؛ به عنوان مثال، کلیشه‌های زنان دارای معلولیت، کلیشه‌های همسران... از جمله کلیشه‌های مرکب رایج در مورد زنان توانخواه این است که آنان را غیر جنسی و همچنین دارای شخصیت کودکانه می‌دانند. گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان، در گزارش‌های خود در خصوص «خشونت علیه زنان، علل و پیامدهای آن» به کلیشه‌های مرکب مرتبط با زنان توانخواه توجه زیادی کرده است. او توضیح داده است: «زنان دارای معلولیت، هم نگرش‌های کلیشه‌ای نسبت به زنان و هم نگرش‌های معطوف به افراد دارای معلولیت را تجربه می‌کنند». به نظر می‌رسد در چارچوب حقوق بشر بین‌المللی کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌هایی منع می‌شود که بر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به رسمیت شناخته شده تأثیر منفی و مضر می‌گذارد، نه همه اشکال کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌ها. چنانکه کمیته لغو کلیه اشکال تبعض علیه زنان هم از کشورهای عضو خواسته «کلیشه‌های مضر جنسیتی» را اصلاح یا تغییر دهند و «کلیشه‌سازی‌های جنسیتی نادرست را حذف کنند».^۲

آسیب‌پذیری زنان توانخواه از کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی

حوزه‌های کمی از زندگی وجود دارد که توسط کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی دست نخورده باقی مانده باشد.

تمایلات جنسی آنها است (Cook and Cusack, 2009: 27). از جمله این کلیشه‌ها می‌شود به مواردی اشاره کرد: که زنان از نظر جنسی منفعل هستند- مردان میل جنسی قوی دارند.... اصطلاح «کلیشه نقش جنسی» به دیدگاه یا پیش‌فرض کلی درباره نقش‌هایی که زنان و مردان انجام می‌دهند یا از آنها انتظار می‌رود و انواع رفتارهایی که دارند یا انتظار می‌رود با آنها مطابقت داشته باشند، اشاره دارد (Ibid, 28). کلیشه‌های نقش جنسیتی بر نقش‌ها و رفتارهای زنان و مردان تمرکز می‌کنند و معمولاً نقش‌ها و رفتارهای متمایز و در عین حال تقویت‌کننده متقابل را به آنها اختصاص می‌دهند. به عنوان مثال، کلیشه‌های مبتنی بر نقش جنس معمولاً نقش‌هایی را به زنان اختصاص می‌دهند که معمولاً مرتبط با حوزه خصوصی هستند و نقش‌های مردان معمولاً مرتبط با حوزه عمومی. از جمله این کلیشه‌ها: زنان مراقب هستند و مردان تصمیم‌گیر یا زنان خانه‌دار هستند و مردان نان‌آور (Gender Stereotyping as a human rights violation, 2013: 13). گزارشگر ویژه در مورد حق غذا در گزارش خود به این موضوع اشاره می‌کند: نیاز به تغییر تقسیم‌بندی جنسیتی موجود در نقش‌ها و توزیع مجدد وظایف هم در داخل خانه و هم در سایر حوزه‌ها وجود دارد. تا زمانی که نقش زنان را در اقتصاد «مراقبتی» با برآوردن نیازهای خاص آنها به رسمیت بشناسیم، تقسیم نقش‌های موجود در خانواده و کلیشه‌های جنسیتی مرتبط باقی می‌ماند و حتی می‌تواند آن را تقویت کند. توزیع مجدد نقش‌ها و به چالش کشیدن کلیشه‌های جنسیتی مرتبط نیازمند رویکردی دگرگون‌کننده است که به موجب آن حمایت‌های ارائه شده از زنان نه تنها نیازهای خاص آنها را تشخیص می‌دهد، بلکه فرصتی برای زیر سؤال بردن هنجارهای اجتماعی و فرهنگی موجود فراهم می‌کند (Ibid: 42). اصطلاح «کلیشه مرکب» به دیدگاه یا

2. R.K.B. v. Turkey, UN Doc. CEDAW/C/51/D/28/2010 (13 April 2012), para. 8. 8.

1. Rashida Manjoo, *Report of the Special Rapporteur on violence against women, its causes and consequences*, UN Doc. A/HRC/23/49 (14 May 2013), para. 7.

شده که کلیشه‌های مضر جنسیتی و کلیشه‌های جنسیتی نادرست یکی از دلایل اصلی خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان است. کمیته کنوانسیون لغو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان^۱ در توصیه عمومی شماره ۱۹ در این خصوص می‌گوید:

«نگرش‌های سنتی که به موجب آن زنان تابع مردان یا دارای نقش‌های کلیشه‌ای در نظر گرفته می‌شوند، شیوه‌های گسترده‌ای را که شامل خشونت یا اجبار است، تداوم می‌بخشد»^۲. «این نگرش‌ها همچنین به تبلیغ پورنوگرافی و به تصویر کشیدن و سایر استثماری تجاری از زنان به عنوان اشیای جنسی کمک می‌کند تا به عنوان افراد، این به نوبه خود به خشونت مبتنی بر جنسیت کمک می‌کند» (Ibid: 12).

«زنان روستایی در معرض خطر خشونت مبتنی بر جنسیت هستند؛ زیرا [به دلیل] نگرش‌های سنتی در مورد نقش فرعی زنان که در بسیاری از جوامع روستایی وجود دارد» (Ibid: 21). «در روابط خانوادگی، زنان در هر سنی مورد خشونت از همه نوع قرار می‌گیرند که با نگرش‌های سنتی تداوم می‌یابد» (Ibid: 23). همچنین گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان می‌افزاید.

«بررسی پرونده‌ها و مجازات مرتکبین مبتنی بر مفاهیم مردسالارانه مرتبط با تعصبات و کلیشه‌ها درباره زنان و مردان و نقش‌های جنسیتی آنهاست»^۳.

«نه تنها [زنان توانخواه] به‌عنوان شاهد کنار گذاشته می‌شوند، زیرا ممکن است در برقراری ارتباط با پلیس مشکل داشته باشند، بلکه کلیشه‌ها برای حذف یا رد کردن شهادت آنها عمل می‌کنند. به عنوان مثال، در پرونده‌های تجاوز جنسی، عدم توجه عمومی جامعه به افراد دارای معلولیت به‌عنوان موجودات جنسی ممکن است باعث شود قضات و هیئت منصفه شهادت شهود را نادیده بگیرند. از سوی دیگر، ممکن است به دلیل دیدگاه‌ها و باورهایی که در مورد برخی از زنان دارای معلولیت ذهنی به عنوان افراد

واقعی که بارها توسط طیف گسترده‌ای از سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل متحد بیان شده است. حتی آن دسته از سازوکارهای سازمان ملل که حوزه مسئولیت آنها با کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی مرتبط نیست، هم اثرات مضر کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی را بر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی زنان تشخیص داده‌اند. البته باید توجه داشت که اگرچه سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل طیف وسیعی از آسیب‌های ناشی از کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی را شناسایی کرده‌اند، اما به ندرت این آسیب را عمیقاً بررسی کرده‌اند. افراد توانخواه به دلیل دارا بودن وضعیت خاص جسمی یا روحی روانی، از حقوقی که برای همه انسان‌ها در نظر گرفته شده است، بهره کاملی نمی‌برند و در مواردی که معلولیت در کنار جنسیت قرار بگیرد و افراد توانخواه جزو اقشار آسیب‌پذیر مانند کودکان و زنان و سالمندان باشند، قربانی تبعیض‌های مضاعف و چندگانه می‌شوند (صفاری‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۷۱). بنابراین، علاوه بر تبعیض‌های متعددی که زنان توانخواه باید تجربه کنند، آنها با مشکل نادیدنی مضاعف به عنوان زنان و به عنوان افراد معلول روبه‌رو هستند (Arnade & Haefner, 2006: 10).

کلیشه‌های جنسیتی و باورهای غلط درباره زنان توانخواه می‌تواند تأثیر منفی و عمیقی بر زندگی آنها داشته باشد و منجر به ناتوانی و انزوای آنها شود. این کلیشه‌ها می‌تواند حقوق زنان معلول را در حوزه سلامت، آموزش، اشتغال، خشونت، حقوق ازدواج، خانواده و مشارکت در زندگی عمومی را تحت تأثیر قرار دهد. در این مبحث برخی از پیامدهای منفی کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی بر روی حقوق بشر زنان با تأکید بر زنان معلول بررسی می‌شود. هدف از این بحث نشان دادن وسعت و عمق آسیب‌های ناشی از کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی است که توسط سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل مشخص شده است. اکنون به طور گسترده‌ای توسط سازوکارها پذیرفته

3. Rashida Manjoo, Report of the Special Rapporteur on violence against women, its causes and consequences, UN Doc. A/HRC/23/49 (14 May 2013), para.53.

1. The Committee on the Elimination of Discrimination against Women (CEDAW)
2. CEDAW Committee, General Recommendation No. 19, UN Doc. A/47/38 at 1 (1993), paras. 11.

بیش از حد جنسی و فاقد خودکنترلی وجود دارد، به شکایت‌ها توجهی نشود.^۱

«وقتی زنان توانخواه از پلیس یا سایر اعضای جامعه کمک می‌خواهند، شکایت‌های آنها ممکن است جدی گرفته نشود یا به دلیل انگ و کلیشه‌سازی قابل باور نباشد» (Ibid: 59). وی در بخش‌های دیگری از گزارش خود می‌افزاید:

«زنان توانخواه بر اساس کلیشه‌ها و تعصبات اجتماعی در معرض خطر بالای خشونت قرار دارند که تلاش می‌کند آنها را غیرانسانی یا کودکانه جلوه دهد، آنها را طرد یا منزوی کند و آنها را برای خشونت جنسی و سایر اشکال هدف قرار دهد».^۲

«دیدگاه‌های کلیشه‌ای درباره زنان توانخواه ممکن است بر حقوق والدین آنها یا از طریق پایان دادن به حقوق والدین تحمیل شود. به گفته زنان دارای معلولیت استرالیا، نسبتاً رایج است که کلیشه‌های روزمره و باورهای عمیقاً ریشه‌دار درباره زنان دارای معلولیت در دادگاه خانواده مشروعیت داده شود و علیه آنها در جلسه طلاق یا محاکمه حضانت مورد استفاده قرار گیرد. به دلیل چنین پیش‌داوری‌هایی، بسیاری از زنان حق حضانت و حتی ملاقات با فرزندان خود را از دست داده‌اند» (Ibid: 46).

«زنان توانخواه در زمینه نمایندگی با مشکلاتی روبه‌رو هستند و ممکن است با دیدگاه جامعه در مورد نقش‌های زنان به طور کلی سازگار نباشند، که منجر به حذف شدن و محرومیت از مشارکت معنادار در جامعه می‌شود. همچنین ممکن است زنان دارای معلولیت به عنوان کودکانی تلقی و بی‌کفایت فرض شوند، که از دستیابی آنها به عنوان اعضای کامل و برابر جامعه جلوگیری می‌کند» (Ibid: 66).

آمارها نشان می‌دهد تنها درصد کمی از زنان توانخواه باسواد هستند.^۳ علاوه بر این، آنها فرصت‌های کمی برای آموزش حرفه‌ای دارند. به همین دلیل و بسیاری دلایل دیگر، زنان توانخواه نرخ اشتغال پایینی دارند، استخدام و ارتقای تبعیض‌آمیز را تجربه می‌کنند، دستمزد برابر برای کار برابر دریافت نمی‌کنند و اغلب به سمت مشاغل تفکیک شده و کم درآمد هدایت می‌شوند و از اعتبار و سایر منابع تولیدی اغلب محروم می‌شوند. همه این عوامل به نرخ بالای فقر زنان دارای معلولیت و افزایش حاشیه‌نشینی آنها کمک می‌کند (Ortoleva, 2010: 92). خدمات بهداشتی غیرقابل دسترس همچنین مانع مهمی دیگری برای زنان توانخواه است. عدم دسترسی فیزیکی به امکانات، کارکنانی که مهارت‌های لازم برای برقراری ارتباط با زنان دارای معلولیت‌های مختلف را ندارند و کسانی که آنها را در زمینه ارائه خدمات جنسی و خدمات بهداشت باروری غیر جنسی می‌دانند (Ibid). علاوه بر این، بسیاری از زنان و دختران دارای معلولیت گزارش می‌دهند که نیازها و انتظارات خاص آنها توسط خدمات ویژه زنان پوشش داده نمی‌شود (صفاری‌نیا و منفرد مسقانی، ۱۳۹۸: ۱۶۵).

کنوانسیون لغو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حمایت از افراد توانخواه، نقش کلیشه‌ها را در انکار حقوق بشر برای زنان دارای معلولیت متذکر می‌شود. ماده ۵ کنوانسیون لغو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان دولت‌ها را ملزم می‌کند که تمام اقدامات مناسب را به منظور دستیابی به حذف کلیشه‌های مضر، تعصبات و عادات و سایر اعمالی که بر اساس ایده حقارت یا برتری هر یک از دو جنس یا نقش‌های کلیشه‌ای برای مردان و زنان است، اتخاذ کنند. علاوه بر این، کنوانسیون حمایت از افراد توانخواه مفاد کنوانسیون لغو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان را تقویت

and consequences, UN Doc. A/67/227 (3 August 2012), para. 32.

3. See Harilyn Rousso, Education for All: A Gender and Disability Perspective 3 (2003) (unpublished background paper) (on file with UNESCO), available at <http://unesdoc.unesco.org/images/0014/001469/146931e.pdf>.

1. Rashida Manjoo, Report of the Special Rapporteur on violence against women, its causes and consequences, UN Doc. A/67/227 (3 August 2012), para. 41.

2. Rashida Manjoo, Report of the Special Rapporteur on violence against women, its causes

با زنان و کلیشه‌های مرتبط با معلولین. بنابراین، در این قسمت ابتدا به بررسی تعهدات کشورهای عضو برای پرداختن به کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی در برخی اسناد حقوق بشر عام نظیر میثاقین و سپس در کنوانسیون لغو کلیه اشکال تبعض علیه زنان و کنوانسیون حقوق افراد توانخواه می‌پردازیم. همچنین بررسی خواهیم کرد که کمیته لغو کلیه اشکال تبعض علیه زنان و کمیته حقوق افراد دارای معلولیت چگونه این تعهدات را برای پیشبرد حقوق بشر زنان تفسیر کرده‌اند.

یکی از اسناد حقوق بشری که تعهداتی را در خصوص کلیشه‌های مضر متوجه دولت‌ها می‌کند، کنوانسیون حقوق کودک است. این سند شامل تعهدات صریح در مورد کلیشه‌سازی نیست. با این حال، این معاهده تعهداتی را بر دولت‌های عضو تحمیل می‌کند که به نظر می‌رسد برای اطمینان از رفتار دولت‌های عضو با کودکان، از جمله دختران، مطابق با ظرفیت‌ها و شرایط فردی آنها و نه بر اساس سن و یا کلیشه‌های دیگر می‌باشد (مواد ۵، ۱۲ و ۱۴). کمیته حقوق کودک هم این ارتباط ضمنی با کلیشه‌ها را تأیید کرده و خاطرنشان می‌کند که «کلیشه‌های جنسیتی و ارزش‌های مردسالارانه دختران را تضعیف می‌کند و محدودیت‌های شدیدی برای دختران» با توجه به حق شنیده شدن کودک ایجاد می‌کند.^۳ به علاوه همان طور که کمیته در نظریه عمومی شماره ۱۷ خود تأیید کرده است کلیشه‌ها و به ویژه کلیشه‌های جنسیتی نوعی تبعیض هستند که می‌تواند علاوه بر بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون،^۴ سایر حقوق تضمین شده همچون حق بر شنیده شده و آزادی بیان کودکان را نقض کند.^۵

اعلامیه جهانی حقوق بشر^۶ و همچنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۷ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی،

می‌کند، با شناسایی اینکه در مورد زنان توانخواه، کلیشه‌های جنسیتی می‌تواند با کلیشه‌های مربوط به ناتوانی همزمان باشد، در نتیجه به وسیله کلیشه‌های مرکب به آنها آسیب برساند و تبعیض ایجاد کند.

تعهدات حقوق بشری دولت‌ها برای رسیدگی به کلیشه‌های جنسیتی و کلیشه‌سازی

طبق قواعد بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها ملزم به رسیدگی به کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌ها، از جمله کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی هستند. دو معاهده بین‌المللی حقوق بشر شامل تعهدات صریح در مورد کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی هستند؛ یعنی کنوانسیون لغو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان^۱ و کنوانسیون حقوق افراد توانخواه. این تعهدات هم ماهیت مثبت و هم منفی دارند. علاوه بر این، بسیاری از نهادهای معاهده بین‌المللی حقوق بشر، اصل عدم تبعیض و حق برابری را به گونه‌ای تفسیر کرده‌اند که شامل آن دسته از اشکال تبعیض و نابرابری است که ریشه در کلیشه‌ها از جمله کلیشه‌های جنسیتی دارد. به عبارت دیگر، این نهادها، نوعی تعهد ضمنی به استناد اصل عدم تبعیض و حق برابری برای رسیدگی به کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌ها به رسمیت شناخته‌اند. همان نهادهای معاهده همچنین اذعان کرده‌اند که تعهدات ضمنی برای رسیدگی به کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌ها در طیفی از دیگر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی وجود دارد؛ به عنوان مثال آزادی از مداخله خودسرانه در زندگی خصوصی و حق برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل دسترس سلامت (Gender Stereotyping as a human rights violation, 2013: 20). به طور کلی زنان توانخواه همزمان تحت تأثیر دو نوع کلیشه هستند: کلیشه‌های مرتبط

تبعیضی، صرف نظر از نژاد، رنگ و نژاد کودک یا والدین او یا قیم قانونی، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، منشأ ملی، قومی یا اجتماعی، دارایی، ناتوانی، تولد یا وضعیت دیگر رعایت و تضمین خواهند کرد.
5. CRC Committee, General Comment No. 17, UN Doc. CRC/C/GC/17 (17 April 2013), para. 57(f).
6. Universal Declaration of Human Rights
7. International Covenant on Civil and Political Rights.

1. The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (CEDAW) adopted by the United Nations General Assembly On 18 December 1979.

2. Committee on the Rights of the Child (CRC)

3. CRC Committee, General Comment No. 12, UN Doc. CRC/C/GC/12 (20 July 2009), para. 77.

۴. بند ۱ ماده ۲ مقرر می‌دارد: کشورهای عضو، حقوق مندرج در این کنوانسیون را برای هر کودک در قلمرو صلاحیت خود بدون هیچ‌گونه

اجتماعی و فرهنگی^۱ به صراحت به کلیشه‌سازی نمی‌پردازد. با این حال، کمیته حقوق بشر^۲ و کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۳ اذعان کرده‌اند که کلیشه‌های جنسیتی بهره‌مندی برابر زنان از حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تضعیف می‌کند. همچنین کلیشه‌های جنسیتی می‌تواند اصل عدم تبعض و حق برابری تضمین شده توسط میثاقین را نقض کند.^۴ بنابراین، کلیه مواد اساسی اعلامیه و میثاقین (از جمله مواد ۱ و ۲ اعلامیه، مواد ۲ (۱)، ۳ و ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۵ و مواد ۲ (۲) و ۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۶ شامل تعهدات ضمنی برای رسیدگی به کلیشه‌های جنسیتی است. بنابراین، می‌توان گفت در چارچوب اسناد مزبور دولت‌های عضو و از آنجا که امروزه مفاد اعلامیه حقوق بشر و میثاقین به صورت حقوق عرفی در آمده‌اند، دولت‌های غیر عضو هم متعهد هستند اطمینان حاصل کنند که کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی اعمال حقوق مندرج در میثاقین را در قبال زنان و به ویژه زنان توانخواه خدشه‌دار یا بی‌اثر نمی‌کند و در صورت وقوع چنین امری کشورها باید فوراً اقداماتی را برای اصلاح یا تغییر کلیشه‌های جنسیتی مضر و نادرست علیه زنان به ویژه زنان توانخواه اتخاذ کنند.

از دیگر تکالیف دولت‌ها در چارچوب ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد، ترویج حقوق بشر و احترام به آزادی‌های اساسی است. بی‌تردید یکی از راه‌های تحقق این امر، آموزش فرهنگ حقوق بشر در جامعه است؛ آموزش حقوق بشر برای رشد و آگاهی فردی و اجتماعی جوامع بشری ضرورتی انکارناپذیر است. هرچقدر فرهنگ حقوق بشری‌تر باشد آسیب به افشار آسیب‌پذیر مثل زنان توانخواه و اثرات مضر کلیشه‌ها کمتر می‌شود. در این خصوص برنامه اقدام و دفاع از حقوق افراد توانخواه و آموزش حقوق بشر به آنها و تدوین و اجرای دوره‌های آموزشی آشنایی معلولین با حقوق خود می‌تواند مؤثر واقع شود.

۱. کنوانسیون لغو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

چندین ماده از معاهده لغو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، تعهدات صریحی را برای رسیدگی به کلیشه‌های مضر جنسیتی و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی نادرست ایجاد می‌کند. ماده ۵ و تا حدودی، ماده ۲ (f) چارچوب کلی تعهدات اصلی دولت‌ها را در این زمینه مشخص می‌کند. البته، قبل از این مواد، مقدمه کنوانسیون، موضوع کلیشه‌سازی و در نتیجه، تعهدات دولت‌های عضو برای رسیدگی به کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی را مشخص کرده است.

ماده ۳: دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده در این میثاق تأمین کنند.

ماده ۲۶: کلیه اشخاص در مقابل قانون متساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیض استحقاق حمایت بالسویه قانون را دارند. از این لحاظ قانون باید هر گونه تبعیضی را منع و برای کلیه اشخاص حمایت مؤثر و متساوی علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب عقاید سیاسی و عقاید دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، مکتب، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین بکند.

ماده ۲ (۲): کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که اعمال حقوق مذکور در این میثاق را بدون هیچ نوع تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر گونه عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین نمایند.

ماده ۳: کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق مردان و زنان را در استفاده از کلیه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر در این میثاق تأمین نمایند.

1. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights
2. Human Rights Committee (HRC)
3. The Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR)

۴. در این مورد ر ک:

HRC, General Comment No. 28, UN Doc. HRI/GEN/1/Rev.9 (Vol. I) (2000). And HRC, General Comment No. 32, UN Doc. CCPR/C/GC/32 (23 August 2007).

CESCR, General Comment No. 20, UN Doc. E/C.12/GC/20 (25 May 2009) and CESCR, General Comment No. 16, UN Doc. E/C.12/2005/4 (11 August 2005).

۵. ماده ۲ بند (۱): دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو تابع حاکمیتشان بدون هیچ‌گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌ها محترم شمرده و تضمین بکنند.

موضوع که منافع کودکان در همه موارد از اولویت برخوردار می‌باشند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود بند الف ماده ۵ از دولت‌های عضو می‌خواهد که «تمام اقدامات مناسب» را برای «تغییر الگوهای رفتار اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان» به‌منظور حذف شیوه‌هایی که «بر اساس ایده فرودستی یا برتری یک جنس نسبت به جنس دیگر یا نقش‌های کلیشه‌ای مردان و زنان» است، انجام دهند. بند ب ماده ۵ کشورهای عضو را ملزم می‌کند که «تمام اقدامات مناسب» را اتخاذ کنند تا اطمینان حاصل شود که: وضعیت مادری به‌عنوان یک کارکرد اجتماعی در آموزش خانواده به رسمیت شناخته می‌شود و مراقبت از کودکان به عنوان مسئولیت مشترک زنان و مردان شناخته شده است. به نظر می‌رسد ماده ۵ (ب) به دنبال اصلاح و تغییر دیدگاه کلیشه‌ای است که زنان (و نه مردان) وظایف مراقبتی را بر عهده دارند.

علاوه بر ماده ۵، ماده ۲ (f) هم تعهداتی را در خصوص حذف کلیشه‌ها متوجه دولت‌ها می‌کند. به موجب این ماده دولت‌ها موظف به «اتخاذ اقدامات مناسب که شامل (تدابیر) قانونگذاری برای تغییر، اصلاح یا فسخ قوانین موجود، مقررات، عادات (عرف) و عملکردهایی که باعث به وجود آمدن تبعیض علیه زنان می‌باشند» هستند. این تعهدات شامل تغییر یا لغو قوانین، مقررات، آداب و رسوم و رویه‌هایی می‌شود که بر اساس کلیشه‌های جنسیتی شکل گرفته و علیه زنان تبعیض قائل می‌شوند. کمیته اخیراً مقررات فوق را به عنوان تحمیل تعهد به کشورهای عضو برای «اصلاح و تغییر کلیشه‌های جنسیتی و حذف کلیشه‌های جنسیتی نادرست» تعبیر کرده است.^۲

بنابراین، دولت‌های عضو باید رویه اعمال باورهای کلیشه‌ای را در مورد زنان و مردان به گونه‌ای که حقوق بشر آنها را نقض می‌کند، ریشه‌کن کنند. کمیته اهمیت پرداختن به کلیشه‌های جنسیتی توسط کشورهای عضو را در دعوای کارن تایگ ورتیدو علیه فیلیپین^۳ را مورد تأکید قرار می‌دهد.

مقدمه اذعان می‌کند که دستیابی به برابری اساسی، دولت‌های عضو را ملزم به تغییر «نقش سنتی مردان و نیز نقش زنان در جامعه و خانواده» می‌کند و در انجام این کار، بر محوریت تعهدات کشورهای عضو در این حوزه تأکید می‌کند. در واقع، بند ۱۴ مقدمه می‌داند که برای دستیابی به برابری کامل بین زن و مرد، تغییر در نقش سنتی مردان و نیز نقش زنان در جامعه و خانواده لازم است. کمیته کنوانسیون لغو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، اهمیت تعهدات کشورهای عضو را در توصیه عمومی شماره ۲۵ خود، با شناسایی تعهد به «توجه به روابط جنسی رایج و تداوم کلیشه‌های مبتنی بر جنسیت» به عنوان یکی از سه دسته از تعهدات اساسی برای دستیابی به اهداف برابری اساسی، تأیید کرد.^۱

پیامد فوری این‌گونه توصیف تعهدات برای پرداختن به کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی، اذعان به اهمیت تعهدات و پایبندی کشورهای عضو به آنها برای به رسمیت شناختن، اعمال و برخورداری از حقوق بشر زنان است (Cusack, op.cit, 134) و پیامد دیگر آن است که اقدامات دولت‌های عضو برای محدود کردن یا مشروط کردن تعهدات خود برای پرداختن به کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی از طریق رزرو، احتمالاً با مقاومت قابل توجهی از سوی کمیته روبه‌رو خواهد شد (Ibid). ماده ۵ ماده اصلی کنوانسیون لغو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در مورد کلیشه‌سازی است. طبق این ماده، دولت‌های عضو اقدامات مقتضی زیر را به عمل خواهند آورد:

الف) اصلاح الگوهای رفتاری اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان به منظور دستیابی به حذف تعصبات، عادات و دیگر عملکردها که بر پایه اعتقادی دون و زیر دست قرار دادن یا برتری (یک جنس نسبت به جنس دیگر) یا نقش‌های کلیشه‌ای برای مردان و زنان قرار دارد.

ب) مطمئن شدن از آموزش و پرورش خانواده که شامل درک مناسب و صحیح از (وضعیت) مادری به مثابه یک وظیفه اجتماعی و شناسایی مسئولیت مشترک مردان و زنان در رشد و تربیت کودکان می‌باشد. همچنین با درک این

2. RK.B. v. Turkey, op.cit, para. 8.8.

3. Karen Tayag Vertido v. The Philippines

1. CEDAW Committee, General Recommendation No. 25, UN Doc. A/59/38 (2004), para. 7.

– اجرای برنامه‌هایی برای تشویق دختران به تحصیل و اشتغال در زمینه‌های غیر سنتی.

– باورهای کلیشه‌ای والدین، معلمان و رهبران جامعه در مورد اهمیت و ارزش آموزش برای دختران را به چالش بکشد» (Gender Stereotyping as a human rights violation, 2013: 24). با توجه به تعهدات صریحی که کنوانسیون لغو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در خصوص کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی متوجه دولت‌ها نموده، کمیته لغو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان هم به طور منظم مفاد و مقررات کنوانسیون را در گفت‌وگوی سازنده خود با کشورهای عضو مورد بررسی قرار داده است و همچنین دولت‌های عضو را به دلیل عدم اجرای کامل آنها مسئول دانسته است. با این حال، تعهدات کشورهای عضو برای رسیدگی به کلیشه‌های مضر جنسیتی و کلیشه‌های جنسیتی نادرست محدود به مقررات فوق‌الذکر نیست. علاوه بر تعهدات ضمنی مندرج در مواد دیگر کنوانسیون، کمیته همچنین به رسمیت شناخته است که تعهدات دولت‌های عضو به حقوق و آزادی‌هایی که صراحتاً در کنوانسیون درج نشده، اما تحت سایر معاهدات یا حقوق بین‌الملل عرفی به رسمیت شناخته شده‌اند و بر رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان و دستیابی به برابری ماهوی تأثیر می‌گذارد، گسترش می‌یابد.^۲

۲. کنوانسیون حمایت از افراد توانخواه

علاوه بر کنوانسیون لغو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، تنها معاهده بین‌المللی حقوق بشری دیگری که شامل تعهدات صریح در مورد کلیشه‌سازی است، کنوانسیون حمایت از افراد معلول می‌باشد. ماده ۸ (۱) (ب) ماده اصلی در کنوانسیون مزبور است که تعهدات کشورهای عضو در مورد کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌ها را تشریح می‌کند. این ماده از کشورهای عضو می‌خواهد که اقدامات فوری، مؤثر و مناسب برای مبارزه با کلیشه‌ها، از جمله کلیشه‌های مرکب، در مورد افراد دارای معلولیت اتخاذ کنند. ماده ۸ (۱) (ب) کنوانسیون

در قضیه کارن تایگ ورتیدو علیه فیلیپین، کمیته لغو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان بررسی کرد که چگونه کلیشه‌های جنسی زنان و مردان در تصمیم قاضی دادگاه مبنی بر تبرئه خوزه ب. کوستودیو از تجاوز به کارن تایگ ورتیدو نقش داشته است. کمیته علاوه بر بررسی کلیشه‌های زنان و تأثیر آنها بر ارزیابی شهادت ورتیدو، استدلال قاضی دادگاه را برای فرضیات ضمنی در مورد مردان و مردانگی به طور دقیق تحلیل کرد. این تحلیل دقیق، کمیته را به این نتیجه رساند که تبرئه متهم – مردی شصت ساله – نیز تحت تأثیر این کلیشه بود که مردان مسن‌تر فاقد قدرت جنسی هستند، با این فرض که آنها قادر به تجاوز نیستند.^۱

ماده ۱۰ (C) آخرین ماده کنوانسیون لغو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان برای تحمیل تعهدات صریح مربوط به کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی است. به موجب بند (C) ماده ۱۰ دولت‌های عضو کنوانسیون، تمامی اقدامات مقتضی و مناسب برای حذف هر نوع مفهوم کلیشه‌ای از نقش زنان و مردان در تمام سطوح و تمام اشکال مختلف آموزشی به وسیله تشویق آموزش مختلط و دیگر انواع آموزش که دستیابی به این اهداف را کمک خواهد نمود؛ به ویژه با تجدید نظر در متون کتاب‌های درسی و برنامه‌های مدارس و تعدیل روش‌های آموزشی، اتخاذ خواهند کرد. کمیته در تلاش‌های خود برای بیان کامل‌تر تعهدات مندرج در بند ج ماده ۱۰، از جمله به کشورهای عضو توصیه کرده است:

«– اتخاذ تدابیر جامع برای غلبه بر کلیشه‌های جنسیتی که به عنوان مانعی برای آموزش دختران و زنان عمل می‌کند.

– اطمینان حاصل شود که معلمان آموزش‌های جنسیتی را با هدف از بین بردن کلیشه‌های جنسیتی از برنامه‌های درسی رسمی و غیر رسمی دریافت می‌کنند.

– بررسی و بازنگری مواد آموزشی از جمله کتاب‌های درسی برای حذف کلیشه‌های جنسیتی.

2. CEDAW Committee, General Recommendation No. 28, UN Doc. CEDAW/C/GC/28 (16 December 2010), para. 7.

1. Karen Tayag Vertido v. The Philippines, UN Doc. CEDAW/C/46/D/18/2008 (22 September 2010), para. 8.4.

مرخصی دارند.^۱ کمیته مزبور در چندین بیانیه پایانی خود بر اهمیت اتخاذ تدابیر آموزشی و پژوهشی برای مبارزه با کلیشه‌ها و ارتقای منزلت، قابلیت‌ها و مشارکت افراد دارای معلولیت تأکید کرده‌اند و از کشورهای عضو خواسته، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را برای مبارزه با کلیشه‌ها توسعه و اجرا کنند.^۲ در اینجا کمیته وظیفه دولت‌ها را فراتر از صرف افزایش آگاهی می‌داند؛ زیرا اقدامات افزایش آگاهی به خودی خود بعید است که با کلیشه‌ها مبارزه کند. بنابراین، از آنها می‌خواهد اقدامات عینی و ملموس همچون وضع مقررات قانونی و اقدامات آموزشی برای مبارزه با کلیشه‌ها اتخاذ کنند. دومین عنصر کلیدی ماده ۸ (ب) کنوانسیون حمایت از افراد معلول، الزام کشورهای عضو برای مبارزه با کلیشه‌سازی‌ها است. کنوانسیون حمایت از افراد معلول معنای اصطلاح «مبارزه» را روشن نمی‌کند و کمیته کنوانسیون هم هنوز این اصطلاح را در رویه خود تعریف نکرده است. کمیته از اصطلاحات «مبارزه» و «حذف» در محدود اظهارات پایانی خود در مورد کلیشه‌سازی استفاده کرده است.^۳ سومین عنصر کلیدی ماده ۸ (ب) کنوانسیون حمایت از افراد معلول، الزام کشورهای عضو برای مبارزه با کلیشه‌ها است. «کلیشه‌هایی» که ماده ۸ (ب) به آن اشاره می‌کند، آنهایی هستند که «مربوط به افراد توانخواه، از جمله آنهایی که بر اساس سن و جنس هستند» (Ibid: 31). به طور قابل توجهی، ماده ۸ (ب) به کلیشه‌های ناتوانی و کلیشه‌های مرکب ناتوانی مربوط می‌شود. یعنی کلیشه‌های افراد توانخواه که با انواع دیگر کلیشه‌ها (مانند کلیشه‌های جنسیتی) تلاقی می‌کنند تا کلیشه‌های خاصی از زیر گروه‌های مختلف افراد توانخواه (مانند زنان و دختران دارای معلولیت) تولید کنند. کنوانسیون حمایت از افراد توانخواه اولین معاهده بین‌المللی حقوق بشر است که تعهدات صریحی را برای رسیدگی به کلیشه‌های مرکب تحمیل می‌کند. این امر به ویژه برای زنان و دختران

حمایت از افراد معلول مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که اقدامات فوری، مؤثر و مناسب را برای مبارزه با اقدامات کلیشه‌ای، جانبدارانه و مضر مرتبط با افراد دارای معلولیت از جمله آن دسته از موارد مبتنی بر جنسیت و سن در تمامی حوزه‌های زندگی اتخاذ کنند». اولین عنصر کلیدی ماده ۸ (ب) الزام کشورهای عضو به اتخاذ اقدامات فوری، مؤثر و مناسب (برای مبارزه با کلیشه‌ها) است. استفاده از اصطلاحات «فوری» و «مؤثر» نشان می‌دهد که اقدامات باید بدون تأخیر اتخاذ شوند و باید بتوانند در عمل تغییر ایجاد کنند. بند ۲ ماده ۸ راهنمایی در مورد انواع اقدامات «مناسب» ارائه می‌دهد که کشورهای عضو باید برای اجرای بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون، از جمله بند ب ماده ۸ اتخاذ کنند. مطابق با تمرکز کلی ماده ۸ بر «افزایش آگاهی»، اقدامات برجسته شده در ماده ۸ (۲) بر آموزش و ابتکارات آموزشی تأکید دارد (Ibid: 30). این اقدامات شامل اجرای کمپین‌های آموزشی عمومی، تقویت نگرش احترام به حقوق افراد دارای معلولیت از طریق سیستم آموزشی، تشویق رسانه‌ها برای نمایش افراد دارای معلولیت به گونه‌ای مطابق با کنوانسیون و ترویج برنامه‌های آموزشی آگاهی‌بخش است (بند ۲ ماده ۸).

نوع اقداماتی که کشورهای عضو ملزم به اتخاذ آنها برای مبارزه با کلیشه‌های افراد دارای معلولیت هستند، در پرونده کنت مک‌آلپاین علیه پادشاهی متحده بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی در کمیته کنوانسیون حمایت از افراد توانخواه مطرح شد. مک‌آلپاین ادعا کرد که دولت عضو، از جمله، ماده ۸ (ب) کنوانسیون حمایت از افراد معلول را نقض کرده است؛ زیرا نتوانسته است «هر گونه اقدام فوری، مؤثر و مناسب برای مبارزه با کلیشه‌ها، پیش‌داوری‌ها و اقدامات مضر کارفرمایان، مقررات قانونی را اتخاذ کند. سیستم حقوقی و قضاتی که به طور کلیشه‌ای فرض می‌کنند که همه بیماران دیابتی به دلیل بیماری‌شان دوره‌های طولانی

2. CRPD Committee, Concluding Observations: Peru, UN Doc. CRPD/C/PER/CO/1 (9 May 2012), para. 19.

3. CRPD Committee, Concluding Observations: Tunisia, UN Doc CRPD/C/TUN/CO/1 (13 May 2011), para. 15(a).

1. enneth McAlpine v. United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland, Communication No. 6/2011, UN Doc. CRPD/C/8/D/6/2011 (13 November 2012), para. 7.

معلولی که تجربه تبعیض و سایر نقض حقوق آنها ممکن است با تجربیات مردان و زنان دیگر به دلیل اعمال یا اجرای کلیشه‌های مرکب متفاوت باشد، بسیار مهم است (Ortoleva, 2010: 91, 114). عنصر نهایی ماده ۸ (۱) (ب) الزام مبارزه با کلیشه‌ها در همه زمینه‌های زندگی است. بنابراین، الزام به اتخاذ تدابیری برای مبارزه با کلیشه‌ها کاربرد وسیعی دارد. هر دو حوزه عمومی و خصوصی و همچنین تمام بخش‌های جامعه را پوشش می‌دهد (Gender Stereotyping as a human rights violation, 2013: 32).

طبق ماده ۴ (۱) (ب) کنوانسیون حمایت از افراد توانخواه، دولت‌های عضو متعهد می‌شوند تحقق کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای تمامی افراد دارای معلولیت را بدون هرگونه تبعیض بر مبنای معلولیت تضمین و ترویج کنند. بدین منظور، دولت‌های عضو متعهد می‌گردند: تمامی تدابیر مقتضی از جمله قانونگذاری، به منظور تغییر یا الغاء قوانین موجود، مقررات، آداب و رسوم و اعمالی که موجب ایجاد تبعیض علیه افراد دارای معلولیت می‌شود را اتخاذ نمایند. ماده ۴ (۱) (ب) با الزام کشورهای عضو به انجام کلیه اقدامات مناسب برای اصلاح یا لغو قوانین، مقررات، آداب و رسوم و رویه‌های موجود که تبعیض علیه افراد دارای معلولیت را ایجاد می‌کند، ماده ۸ (۱) (ب) را تقویت می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که در برخی از کشورها معلولان اغلب از دسترسی به آموزش و پرورش، اشتغال، خدمات اجتماعی و سیستم‌های حمایتی - حقوقی محروم شده‌اند (دهقان فاروجی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰). معلولین به عنوان اقشار آسیب‌پذیر جامعه از مشکلات گوناگون جسمانی و روانی رنج می‌برند و جرایم علیه حقوق اساسی، علیه تمامیت جسمانی، علیه حقوق مالی و علیه تمامیت جنسی آنان ارتکاب می‌یابد. بنابراین، سیاست‌های پاسخ‌دهی جنایی در قبال آنان باید حمایتی ویژه باشد (زراعت و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۱).

همان‌طور که گفته شد از حیث جنسیتی، زنان و دختران توانخواه در معرض خطرات عمده‌ای همچون تعرض به تمامیت جسمانی، بدرفتاری‌ها، سوء استفاده و خشونت‌های

جنسی و تبعیض قرار می‌گیرند. به همین دلیل ماده ۶ کنوانسیون ذیل عنوان زنان توانخواه مقرر می‌دارد: «۱. دول عضو شناسایی می‌کنند که زنان و دختران توانخواه در معرض تبعیض‌های مختلفی هستند و از این نظر تدابیری را جهت حصول اطمینان از برخورداری کامل آنان در شرایط برابر از تمام حقوق انسانی و آزادی‌های بنیادین را اتخاذ کنند. ۲. دول عضو تمام تدابیر مناسب برای تضمین شکوفایی کامل، ارتقا و توانمندسازی زنان به منظور تضمین اجرا و بهره‌مندی از حقوق انسانی و آزادی‌های بنیادین اعلام‌شده در این کنوانسیون را اتخاذ کنند».

کنوانسیون حقوق افراد توانخواه به منظور نظارت و اجرای مقررات آن از وسایل و ابزار سنتی حقوق بین‌الملل؛ یعنی گزارش‌دهی دوره‌ای مندرج در اسناد حقوق بشری استفاده کرده است. رسیدگی به این گزارش‌ها را به عهده کمیته حقوق افراد توانخواه گذارده است. دولت‌های عضو کنوانسیون نه تنها باید در موعد مقرر مطابق با کنوانسیون گزارش‌های دوره‌ای خود را تقدیم کمیته مزبور بکنند، بلکه اطلاعات مندرج در گزارش باید اطلاعات صحیح و درستی باشند. بنابراین، ابتکار عمل در حوزه گزارش‌دهی قبل از هر چیز بستگی زیادی به دولت عضو دارد. البته این چنین مشکلی تنها محدود به کنوانسیون حقوق افراد توانخواه نیست، بلکه در سایر اسناد حقوق بشری که این شیوه نظارت را انتخاب کرده‌اند، وجود دارد (رضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۳۲۱، ۳۲۲). به هر تقدیر برابر مفاد ماده ۳۵ کنوانسیون، دول عضو موظف به دادن گزارش جامعی از تدابیر اتخاذی خود در راستای انجام تعهدات پذیرفته‌شده به موجب این کنوانسیون می‌باشند.

۳. تعهدات ایران در راستای حمایت از زنان توانخواه

هدف اصلی از تدوین کنوانسیون حمایت از افراد توانخواه، ارتقا، حمایت و تضمین بهره‌مندی برابر و کامل افراد دارای معلولیت از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و ارتقای احترام نسبت به منزلت ذاتی آنها می‌باشد. بهره‌مندی از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای تمامی اینای

بشر اعم از معلول و غیر معلول در اسناد حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است (همان: ۳۲۶). مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۱۳ با تصویب ماده واحده به دولت اجازه داد تا به کنوانسیون حمایت از حقوق افراد توانخواه مصوب ۲۰۰۶، البته با اعمال حق شرط (تبصره ۲ ماده واحده) ملحق شود. بنابراین، با توجه به عضویت ایران در این کنوانسیون، دولت تعهداتی در راستای اجرای آن و حمایت از معلولین که طبیعتاً شامل تعهدات مرتبط با حذف و اصلاح کلیشه‌های جنسیتی هم می‌شود، بر عهده دارد که ذیلاً بررسی می‌شود.

تعهد و تکلیف اصلی دولت ایران در چارچوب کنوانسیون ۲۰۰۶ این است که بستر مناسبی را برای تحقق حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد توانخواه فراهم نماید. یکی از اقدامات دولت ایران در راستای حمایت از حقوق افراد توانخواه، تصویب «قانون جامع حمایت از معلولین» در سال ۱۳۸۳ می‌باشد. صدر ماده ۱ قانون مزبور مقرر می‌دارد: «دولت موظف است زمینه‌های لازم را برای تأمین حقوق معلولان فراهم و حمایت‌های لازم را از آنان به عمل آورد». محتوای قانون جامع حمایت از معلولین دلالت بر نگرانی‌هایی دارد که قانونگذار آنها را مورد توجه قرار داده است. به طور کلی سه موضوع فرصت‌های برابر، اشتغال و آموزش بیش از هر چیز دیگری در این قانون مورد توجه گرفته بود (همان). در سال ۱۳۹۶ و در راستای اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی، قانون حمایت از حقوق معلولان تصویب و جایگزین قانون ۱۳۸۳ شد. به نظر می‌رسد مقررات این قانون علاوه بر مسائل مالی و حقوق اقتصادی و اجتماعی معلولین، در صدد تحقق حقوق فرهنگی معلولین (فصل چهارم: امور ورزشی، فرهنگی، هنری و آموزشی) و تغییر الگوهای رفتاری و نگرش‌ها نسبت به معلولین (فصل هفتم: فرهنگ‌سازی و ارتقای آگاهی‌های عمومی) نیز می‌باشد.

به هرحال دولت ایران به عنوان عضو میثاقین و همچنین عضو کنوانسیون حمایت از افراد توانخواه و به موجب ماده ۴ (۱) (ب) این کنوانسیون، متعهد می‌باشد تا

تحقق کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین همچون اصل کرامت انسانی، برابری و عدم تبعیض، حق حیات، آزادی بیان و عقیده، احترام به حریم خصوصی، حق بر آموزش و... برای تمامی افراد توانخواه را بدون هر گونه تبعیض بر مبنای معلولیت تضمین و ترویج کنند. جهت تحقق این امر متعهد می‌گردد: تمامی تدابیر مقتضی از جمله قانونگذاری، به منظور تغییر یا الغای قوانین موجود، مقررات، آداب و رسوم و اعمالی که موجب ایجاد تبعیض علیه افراد توانخواه و به ویژه زنان توانخواه می‌شود را اتخاذ نمایند. به علاوه به موجب ماده ۸ (۱) (ب) کنوانسیون حمایت از افراد توانخواه، دولت ایران متعهد می‌شود که اقدامات فوری، مؤثر و مناسب را برای مبارزه با اقدامات کلیشه‌ای، جانبدارانه و مضر مرتبط با افراد دارای معلولیت از جمله آن دسته از موارد مبتنی بر جنسیت و سن در تمامی حوزه‌های زندگی اتخاذ کند.

علاوه بر این، ما ایرانیان در فرهنگ دینی خود، پشتوانه‌ای غنی برای حمایت از جایگاه معلولان در جامعه داریم. در آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ اینها ملاک امتیاز نیست، گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست»^۱. در روایات معصومین (ع) هم رسیدگی به امور معلولین بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. به همین دلیل، می‌گوییم که همه انسان‌ها، صرف‌نظر از جنسیت، قومیت و داشتن یا نداشتن معلولیت، باید از همه امکانات و حقوقی که پروردگار برای انسان‌ها در نظر گرفته است، برخوردار باشند و نمی‌توان به صرف معلولیت یا ناتوانی یک فرد در انجام امور عادی و روزمره، حکم به فقدان حق وی داد.

به هرحال اقداماتی که دولت ایران تاکنون در راستای حمایت از افراد توانخواه و اجرای مفاد کنوانسیون انجام داده لازم، ولی کافی نبوده و باید با اصلاح و بازنگری قوانین مربوطه، کاستی‌ها و خلأهای موجود را با تأکید بر برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی در مورد حقوق معلولین، فرهنگ‌سازی به ویژه ارتقای فرهنگ حقوق بشری، اصلاح الگوهای رفتاری و تغییر نگرش‌ها نسبت به افراد توانخواه؛

۲. از جمله نامه ۵۳ نهج البلاغه

۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»

به ویژه زنان توانخواه که از تبعیض و کلیشه‌های مضاعف (جنسیت و معلولیت) رنج می‌برند، مرتفع نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی شرایط افراد معلول بالاخص زنان معلول در جنبه‌های مختلف زندگی نشان از وجود نابرابری‌های زیادی در دستیابی به شرایط زندگی مطلوب دارد که خود حاکی از عدم مناسب بودن و کیفیت قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی با رویکرد حق محورانه در حمایت از این افراد می‌باشد. در چنین شرایطی نمی‌توان از حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی برابر صحبت کرد. بنابراین، لازم است رویکرد انسانی کرامت محور در مورد این افراد تقویت گردد. لذا بسترسازی در جامعه در راستای ارتقای یک چنین رویکرد حق محور نیاز به سازوکارهای قانونی شایسته و سیاست‌گذاری عمومی دولتی دارد که فارغ از نگاه ترحم محوری، بلکه با رویکرد حقوق بشری و مشارکتی و فعال نسبت به معلولان زن باشد. حوزه‌های بسیار کمی از زندگی زنان دارای معلولیت وجود دارد که توسط کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی تحت تأثیر قرار نگرفته باشند. نهادهای معاهده‌ای حقوق بشر اثرات مضر کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی بر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی زنان را متذکر شده‌اند. اهمیت و ضرورت موضوع مورد بررسی در پژوهش حاضر این است که در مواردی که معلولیت در کنار جنسیت با هم قرار بگیرد، این اقشار آسیب‌پذیر مانند زنان، قربانی تبعیض‌های مضاعف و چندگانه می‌شوند. زنان معلول همزمان تحت تأثیر دو نوع کلیشه هستند: کلیشه‌های مرتبط با زنان و کلیشه‌های مرتبط با معلولین. بنابراین، بررسی تعهدات دولت‌ها در حذف این کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی بر اساس اسناد بین‌المللی حقوق بشری دارای اهمیت است. کلیشه‌های جنسیتی و باورهای غلط درباره زنان معلول می‌تواند تأثیر منفی و عمیقی بر زندگی آنها داشته باشد و منجر به ناتوانی و انزوای آنها شود. این کلیشه‌ها می‌تواند حقوق زنان معلول را در حوزه سلامت، آموزش، اشتغال، خشونت، ازدواج، خانواده و مشارکت در زندگی عمومی تحت تأثیر قرار داده و به آنها آسیب برساند که این امر توسط سازوکارهای حقوق

بشر نیز مشخص شده است. موانع و چالش‌های قانونی و حقوقی در اجرای قوانین مرتبط با زنان معلول و وجود تبعیض در برخی قوانین مصوب نسبت به انواع معلولین؛ فقدان ضمانت اجرای کافی در دستگاه‌های دولتی برای اجرای قوانین مربوط به معلولین؛ از جمله موانع دسترسی به حقوق بشر زنان معلول است. از دیگر چالش‌ها، می‌توان به چالش‌های نگرش مبتنی بر کلیشه‌ها نیز اشاره نمود که از طرز تفکر و نوع نگرش خود فرد معلول، خانواده و دوستان، کارفرمایان و کل جامعه سرچشمه می‌گیرد که معلولین را افرادی ضعیف و ناکارآمد می‌دانند. در حقیقت، نگرش جامعه به معلولین براساس احساسات شکل گرفته است و نه واقعیات.

تلاقی دو ویژگی جنسیت و معلولیت، زنان دارای معلولیت را بیش از مردان دارای معلولیت و هم زنان تندرست، در معرض خشونت و تبعیض قرار می‌دهد. از این رو، لزوم دسترسی به عدالت و جبران‌های مناسب نیز برای این گروه بیشتر مطرح می‌شود. در این میان، نظام حقوق بین‌الملل با عنوان نظام حقوقی جهان‌شمول، می‌تواند نقش مؤثری در تأمین امنیت زنان دارای معلولیت در برابر تبعیض و کلیشه‌ها ایفا کند. به طور کلی و در پاسخ به سؤال مطرح شده در این مقاله، با در نظر گرفتن مفاد اسناد حقوق بشری، اصل عدم تبعیض و اصل برابری، گزارش‌های نهادهای حقوق بشر و به ویژه دو کنوانسیون حقوق افراد توانخواه و کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ثابت شد که کلیشه‌ها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی بر همه عرصه‌های زندگی تأثیر می‌گذارد و در نتیجه می‌تواند تمام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی زنان را تضعیف کند. بر این اساس مهم‌ترین تعهدات دولت‌ها برای مقابله با تبعیض حاصل از کلیشه‌های جنسیتی مضر و ناقض حقوق زنان توانخواه و دسترسی به عدالت؛ تغییر و اصلاح الگوهای رفتاری اجتماعی و فرهنگی جامعه در قبال زنان مزبور، ارتقای فرهنگ حقوق بشری، آموزش و افزایش سطح آگاهی خانواده‌ها در جهت تقویت نگرش احترام به حقوق افراد توانخواه و به ویژه زنان، حذف قوانین تبعیض‌آمیز و کلیشه‌ساز و وضع قوانین مناسب همراه با سازوکارهای

ها در راستای عملی‌سازی پیشنهادهای و راهکارهای ارائه شده از سوی نهادهای حقوق بشری و به ویژه نهادهای حقوق بشری مرتبط با امور زنان توانخواه است.

اجرایی و نظارتی لازم می‌باشد. پرواضح است که رسیدن به نتیجه مطلوب در مقابله با کلیشه‌های جنسیتی مضر علیه زنان دارای معلولیت، بیش از هر چیز مستلزم همکاری دولت

References

- Abadian Khadija, Simber Masoumeh, Abadian Farhanaz, Mukhtarian Gilani Tahereh. (1400). "Women with physical-motor disabilities, investigation of factors affecting empowerment". *Sarem Medical Research Journal*, Volume 6, Number 4. (in persian)
- Afhemi, Reza, Keshavarz Mehdi, Afshar Shokohizadegan Azita. (1401), "Gender stereotypes and the application of gender to a work of art; case study: real and abstract painting", *Journal of Fine Arts - Visual Arts of Wareh*, 27, number 1, Pp 63-70. (in persian)
- Available in <https://documents.un.org>
- Azzazi, Shahla. (2008). *Structural analysis of gender: a perspective on gender analysis in Iran*. Tehran: Shahid Beheshti University. (in persian)
- Bahri Khayavi, Bahman, Abedini, Abdullah. (2017). "Employment of the disabled from the perspective of international law", *Treaty Legal Research Quarterly*, Volume 2, Number 4, Pp. 109-142. (in persian)
- Barnes, C.; Mercer, G. (2003). *Disability*. Cambridge: Polity Press.
- Cahya Wulandari1. (2018). "Access to Justice for the Disability Women as Victims in the Criminal Justice System". *SHS Web of Conferences* 54, 07012 (2018) <https://doi.org/10.1051/shsconf/20185407012> ICoL GaS 2018
- CEDAW Committee, General Recommendation No. 19, UN Doc. A/47/38 at 1 (1993), paras. 11.
- CEDAW Committee, General Recommendation No. 19, UN Doc. A/47/38 At 1 (1993). Available in <https://documents.un.org>
- CEDAW Committee, General Recommendation No. 25, UN Doc. A/59/38 (2004), para. 7.
- CEDAW Committee, General Recommendation No. 25, UN Doc (2004). Available in <https://documents.un.org>

- CEDAW Committee, General Recommendation No. 28, UN Doc. CEDAW/C/GC/28 (16 December 2010), para. 7. Available in <https://documents.un.org>
- CEDAW Committee, General Recommendation No. 28, UN Doc. CEDAW/C/GC/28 (16 December 2010). Available in <https://documents.un.org>
- Committee on the Elimination of Discrimination against Women (CEDAW). Committee on the Rights of Persons with Disabilities (CRPD).
- Convention on the Rights of Persons with Disabilities, CRPD, A/RES/61/106, 13 Dec 2006.
- Convention On The Rights Of Persons With Disabilities, CRPD, A/RES/61/106, 13 Dec 2006.
- Convention on the Rights of Persons with Disabilities. 2006 (CRPD).
- CRPD Committee, Concluding Observations: Peru, UN Doc. CRPD/C/PER/CO/1 (9 May 2012), para. 19. Available in <https://documents.un.org>
- CRPD Committee, Concluding Observations: Peru, UN Doc. Crpd/C/Per/Co/1 (9 May 2012). Available in <https://documents.un.org>
- Dehghan Farooji, Fatemeh, Dehghan, Ashraf. (1400). "Challenges and vulnerabilities of disabled people in crisis (a case study investigating the disability situation in Tehran with the emphasis of Borznan)". *Knowledge Quarterly of Crisis Prevention and Management*, 11th period, number 1. (in persian)
- Enneth McAlpine v. United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland, Communication No. 6/2011, UN Doc. CRPD/C/8/D/6/2011 (13 November 2012), para. 7. Available in <https://documents.un.org>

- Enneth Mcalpine V. United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland, Communication No. 6/2011, UN Doc. CRPD/C/8/D/6/2011 (13 November 2012). Available in <https://documents.un.org>
- Fahimi Fatemeh, Pourmohammadi Naimeh, Fatahi Seyed Mohsen, Lakzaei Mehdi, (1400). "A critical analysis of the feminist perspective on the definitions of disabled and disabled in Iranian legal documents and international documents". *Comparative Research Quarterly of Islam and the West*, 6th year, 4th issue. (in persian)
- Gender Stereotyping as a Human Rights Violation, OHCHR Commissioned Report, 2013.
- Harilyn Rousso. (2003). "Education for All: A Gender and Disability Perspective 3". (unpublished background paper) (on file with UNESCO), available at <http://unesdoc.unesco.org/images/0014/001469/146931e.pdf>.
- <https://documents.un.org/>
- <https://www.ohchr.org/en/library/un-human-rights-materials>
- <https://www.un.org/>
- Kanter, Arlene, S. (2009). "The United Nations Convention on the Rights of Persons with Disabilities and its Implications for the Rights of Elderly People Under International Law". *Georgia State University Law Review*, vol. 25, (3).
- Karen Tayag Vertido v. *The Philippines*, UN Doc. CEDAW/C/46/D/18/2008 (22 September 2010), para. 8.4. Available in <https://documents.un.org>
- Karen Tayag Vertido V. *The Philippines*, UN Doc. CEDAW/C/46/D/18/2008 (22 September 2010). Available in <https://documents.un.org>.
- Kathleen Cornelsen. (2012). "Doubly Protected and Doubly Discriminated: The Paradox of Women with Disabilities After Conflict". P. 19.
- Mitra, Sophie. (2021). "The Disability Data Report 2021". *Fordham Research Consortium on Disability*, vol. 2, (1).
- Moghadam, Maryam. (2017). "Investigation of social factors affecting the formation of gender stereotypes". *Bimonthly specialized scientific journal of research in art and humanities*, third year, number five (thirteen in a row). (in persian)
- Nabati, Negar and Ebrahim Begzadeh. (2009). *Support for persons with disabilities in the international human rights system*. Tehran: Shahr Danesh Legal Research Institute Publications. (in persian)
- Olivier De Schutter, Report of The Special Rapporteur On The Right To Food, UN Doc. A/HRC/22/50 (24 December 2012). Available in <https://documents.un.org>
- Olivier De Schutter. (24 December 2012). *Report of the Special Rapporteur on the right to food*, UN Doc. A/HRC/22/50 (), para. 27(b). Available in <https://documents.un.org/>
- Parens, Erik; Asch, Adrienne. (1999). "The Disability Rights Critique of Prenatal Genetic Testing; Reflections and Recommendations". *The Hastings Center Report*, Vol. 29, No. 5.
- Parvin Khairaleh, Shabani Samaneh. (1400). "domestic violence against women with disabilities and access to justice in the international human rights system". *Public Law Studies Quarterly*, Volume 51, Number 3, Pp. 1049-1068. (in persian)
- Parvin, Khairale, Arefi, Mohammad Shoaib. (1401). "Comparative study of positive discrimination in the field of employment of disabled people in the laws of Iran, America and India". *Islamic Human Rights Quarterly*, 11th year, number 1, 24 consecutive. (in persian)
- R.K.B. v. Turkey, UN Doc. CEDAW/C/51/D/28/2010 (13 April 2012).
- R.K.B. V. Turkey, UN Doc. CEDAW/C/51/D/28/2010 (13 April 2012).
- Ramazani Qavamabadi Mohammad Hossein. (2013). "Protection of disabled people in international law". *scientific-research quarterly of social welfare*, year 11, number 4. (in persian)
- Rashida Manjoo, Report of The Special Rapporteur On Violence Against Women, Its Causes and Consequences, UN Doc.

- A/67/227 (3 August 2012). Available in <https://documents.un.org>
- Rashida Manjoo, Report of The Special Rapporteur On Violence Against Women, Its Causes and Consequences, UN Doc. A/HRC/23/49 (14 May 2013), Para. 7.
- Rashida Manjoo. (14 May 2013). *Report of the Special Rapporteur on violence against women, its causes and consequences*, UN Doc. A/HRC/23/49. para. 7. Available in <https://documents.un.org>
- Rebecca J. Cook; Simone Cusack (2010). *Gender Stereotyping: Transnational Legal Perspectives*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Rioux, Marcia; Carbert, Anne. (2018). "Human Rights and Disability: The International Context". *Journal on Developmental Disabilities*, Vol 10, (2).
- Rizvani Mofard, Ahmed, Ansieh Nur Ahmadi. (2019). "The rights of persons with disabilities in the law on the protection of the disabled 1396 with an approach to Imam Ali's letter to Malik Ashtar". *Nahj al-Balagheh Research Quarterly*, Sh., 32 Winter, 1399, pp. 61-80. (in persian)
- Safarinia, Mahia and Masoumeh Monfared Mesqani. (2018). "Rights of people with disabilities in the context of the family from the perspective of international standards". *Biannual scientific journal of jurisprudence and family law of Imam Sadiq University (Sisters Campus)*, volume 24, number 71, fall and winter 2018. (in persian)
- Safarinia, Mohia. (2013). *Family in International Legal Documents: Laws and Assignments, Achievements and Challenges*. Tehran: Shahr Danesh Institute of Legal Studies and Research. (in persian)
- Saidi Farid, Zakarian Mehdi. (2017). "policy making to increase the participation of the disabled in the light of the comprehensive law for the protection of the disabled and international documents". *Journal of Disability Studies*, No. 8. (in persian)
- Sigrid Arnade; Sabine Haefner. (2006). "Gendering The Draft Comprehensive and Integral International Convention on the Protection and Promotion of the Rights and Dignity of Persons with Disabilities 7 (2006), available at <http://www.dpi.org/files/>
- Simone Cusack. (2013). *The CEDAW as a Legal Framework for Transnational Discourses on Gender Stereotyping*, in Anne Hellum and Henriette Sinding Aasen (eds.), *Women's Human Rights: CEDAW in International, Regional and National Law*. Cambridge University Press, p. 124.
- Stephanie Ortoleva. (2010). "Women with Disabilities: The Forgotten Peace Builders". 33 Loy. L.A. Int'l & Comp. L. Rev.83. Available at: <https://digitalcommons.lmu.edu/ilr/vol33/iss1/4>.
- The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (CEDAW) adopted by the United Nations General Assembly on 18 December 1979.
- Tousli Naini, Manochesar and Kaviar, Mirhossein. (2007). "Reflection on the rights of the disabled from the point of view of the Convention on the Rights of the Disabled and other international documents". *Journal of Private Law*, No. 13. (in persian)
- Waziri, Esmail, Faizabadi, Mansoura. (1400). "Identifying and prioritizing the needs of the disabled in order to provide services and design programs in public libraries". *Information and Public Library Research Quarterly*, Volume 27, Number 2. (in persian)
- White, Robyn; Dianah Msipa. (2018). "Implementing Article 13 of the Convention on the Rights of Persons with Disabilities in South Africa: Reasonable Accommodations for Persons with Communication Disabilities". *African Disability Rights Yearbook*, No, 6.
- White, Robyn; Juan Bornman. (2015). "Testifying in Court as a Victim of Crime for Persons with Little or no Functional Speech: Vocabulary Implications". *Child Abuse Research: A South African Journal*, vol. 19, No,1.
- William I.; Pons, Janet E. Lord. (2021). "Disability, Human Rights Violations, and Crimes Against Humanity". *American*

- Journal of International Law*, vol, 116, No, 1.
- Zarat Abbas, Chavoshi Mohammad Sadegh, Karamati Moez Hadi. (2018). "Criminal response policies for crimes committed against the disabled and their differential judicial and extrajudicial criminal protections". *Two quarterly scientific journals of Islamic Law Research*, 20th year. First issue, pp. 51-76. (in persian)
- Zareian, Sarieh et al. (1400). *Explaining the relationship between the understanding of gender stereotypes and the understanding of spatial quality in female students* (Women's Research Paper, Research Institute of Humanities and Cultural Studies), 12th year, number 2, summer 1400. (in persian)